

الغارات

[3] در اصفهان روایت کرد، پس جماعتی از قمیین مانند أحمد بن محمد بن خالد و غیر او به اصفهان رفتند و از او خواهش نمودند که بقم منتقل شود قبول نمود و در اصفهان اقامت فرمود. مؤلف گوید: از اینجا معلوم شد که اهل اصفهان در آن اعصار غیر امامی بودند بلکه از جای دیگر معلوم شده که در طریق نصب و عناد بودند پس احادیثی که در مذمت اهل اصفهان وارد شده محمول بر زمانهای سابق است ". آنگاه سه حدیث که بر این مدعادلالت میکند نقل کرده و گفته است: " احادیث مذکور و امثال اینها تمام مخصوص همان زمانها بوده والا در ازمنهء متأخره خصوص از زمانهای سلاطین صفویه تا زمان ما بحمد الله بلدهء اصفهان قبه الاسلام ومحط رحال اهل ایمان وهمیشه مرکز علم وعلماء بوده وقبور شریفهء بسیاری از أعظم علما که حصر نتوان نمود در آن بلده است ". این مختصر یست از شرح حال مؤلف که محصل بیانات بزرگان شیعه است، مانند نجاشی و شیخ طوسی و علامهء حلی، و طالب تفصیل بمقدمهء عربی مراجعه نماید. من از مفصل این قصه مجملی گفتم * تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل هدف مؤلف چون هدف مؤلف در این تألیف آن بوده غار تهائی را که بعد از جنگ نهروان بقلمرو امیر المؤمنین علی علیه السلام و سر زمینهای تحت تصرف او از طرف معاویه شده است یاد کند آنرا " الغارات " نامیده است و این نوع تألیف در آن زمان میان ارباب سیر و تواریخ متداول بوده حتی جماعتی مانند کلبی و أبو مخنف و مدائنی و نصر بن مزاحم که همه از مشایخ مؤلف هستند نیز هریک کتابی در این موضوع بهمین نام گرد آورده است. اگرچه غرض اصلی از تألیف این کتاب ذکر غارات بوده لیکن چون مؤلف بسیار با اطلاع و پرمایه بوده و در فن تصنیف و تألیف مهارت و تبحر تمام داشته در مطاوی این کتاب و لابلاى اوراق آن مطالب بسیار ارزنده تر از اصل موضوع را
